



علل ناسازگاری با خانواده همسر/ خانواده ها باید شرایط پس از ازدواج فرزند را بپذیرند

برخی از مشکلات همسران، مشکل خودشان نیست، بلکه مشکل والدینشان است که به نحوی به زندگی آنها سرایت نموده است...

برخی از مشکلات همسران، مشکل خودشان نیست، بلکه مشکل والدینشان است که به نحوی به زندگی آنها سرایت نموده است، مهم آن فرآیند تفرد و جداسازی فرزند است را به خوبی انجام دهند. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از آسیب‌هایی که خانواده را دچار مشکل می‌کند شامل مواردی است که مشکلاتی با خانواده همسر بوجود آمده است. این مشکلات از موارد خفیف تا موارد خیلی شدید در نوسان است. به ندرت پیش می‌آید که فردی با یکی یا چند نفر از اعضای فامیل همسرش برخورد ناخوشایندی را تجربه نکرده باشد. معمولاً همسران در طول زندگی برخوردهای ناخوشایندی را تجربه می‌نمایند و چنین برخوردهایی خواه نا خواه پیش می‌آید. ولی این شیوه برخورد همسران با چنین تعارضاتی است که نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. همسرانی که زندگی مشترک خویش را شروع می‌نمایند، چنانچه از ابتدا پیش‌بینی چنین مواردی را بنمایند و شیوه درست مواجه شدن با آن را بیاموزند، می‌توانند از آسیب‌های ناشی از چنین برخوردهایی پیشگیری نمایند.

تشخیص حریم فردی و شخصی سایر افراد و رعایت آن از ویژگی‌های افراد سالم از نظر رفتاری و شخصیتی است و معمولاً هم وقتی بین دونفر مشاجره و درگیری پیش می‌آید یکی از آنها و یا هر دو حریم فرد مقابل را رعایت ننموده است. این صحبت که افراد بتوانند به نحوی مطلوب حد و حریم و فردیت دیگر افراد را رعایت نمایند، صحبتی مطلوب و ایده‌آل است و در عمل معمولاً موقعیت‌هایی پیش می‌آید که چنین امری رعایت نمی‌شود. و یا فرد در آن لحظه قادر به تشخیص رعایت حریم فردی طرف مقابل نشود. تشخیص چنین موردی در تعارض بین همسر و خانواده طرف مقابل نقش بسیار حیاتی و اساسی دارد.

حال چنانچه هیچ‌یک از زوجین درگیری و کشمکش و ناراحتی با خانواده همسر خویش نداشته باشد و بتواند چنین وضعی را به طور مداوم حفظ نماید، یک مرحله در زندگی مشترک خویش جلوتر است. ولی به طور معمول چنین درگیری‌ها و تعارض‌ها پیش می‌آید و به دلایل مختلف ممکن است این وضع پیش‌بینی‌شده همسر ما با پدر، مادر، خواهر، برادر یا یکی دیگر از اعضای خانواده ما اختلاف پیدا کند. بعضی از مواقع این درگیری‌ها ختم به خیر می‌شود و هر دو طرف به خوبی و خوشی بدان پایان می‌دهند. ولی بعضی از موارد هم به این سادگی منجر به آرامش نمی‌شود.

چنین درگیری‌های مخربی گاهی به سایر افراد خانواده نیز کشیده می‌شود. و هر فردی هم که به این مجادله وارد شود مقداری تشنج بدان می‌افزاید. به نحوی که پس از پایان گرفتن آن کینه‌ها باقی‌مانده و حاصل از آن سال‌ها تداوم می‌یابد و اوقات خوش و زندگی آرام همسران را نا آرام و ناخوشایند می‌نمایند.

احتمال پیش‌آمدن چنین اختلاف‌هایی وجود دارد و با اعمال مدیریت لازم بین همسر و خانواده خود، چنین پیش‌آمدهایی را در کنترل گرفت، و به نحو مطلوب هدایت نمود تا آسیب‌های حاصل از آن را به حداقل رساند.

فرمول ساده‌ای را می‌خواهم ارائه‌نمایم، که این فرمول اکثرًا درست و صحیح است و می‌تواند در تعیین راهبردهای لازم جهت برطرف نمودن مشکل بین همسر و خانواده خویش راهگشا باشد. مدیریت ضعیف شوهر باعث می‌شود که خانواده شوهر با خانم درگیری پیدا کنند و عکس این قضیه مدیریت ضعیف خانم باعث می‌شود تا خانواده خانم با شوهر درگیری پیدا کنند. در واقع فردی که در این بین همسر و خانواده اش با یکدیگر درگیر شده‌اند، نتوانسته‌اند به نحوی مطلوب مدیریت انسانی لازم را بین دو جناح اعمال نمایند، که کار به کشمکش و درگیری کشیده است.

چنانچه همسر یا خانواده قادر به تشخیص حریم و حرمت طرف مقابل نبوندند و نتوانستند آن را رعایت نمایند. در چنین شرایطی همسری که نقش واسطه بین طرفین درگیر را دارد، بایستی بتواند نقش فعال‌تری به عهده بگیرد و با مداخلات سازنده خود، جلوگیری از تخریب‌های ارتباطی آنها را بگیرد و روابط را به مسیری سازنده‌تر بکشاند و به دنبال آن طرفی که حد و حریم و مرز ارتباطی را رعایت ننموده به موضع اصلی خویش برگرداند.

بنابراین کمبود مهارت پسرها در کنترل و مدیریت خانواده خود اعم از پدر، مادر، خواهران و برادران و سایرین زمینه‌ساز مشکلات بسیاری برای زوجین خواهد بود. در واقع فرقی نمی‌کند، هم زن و هم مرد هر دو پیش از ازدواج، خود را به این توانمندی مدیریتی که کنترل لازم و بهینه روی خانواده و فامیل خویش داشته‌باشد، مجهز نمایند. منتهی پسرها از این بابت که معمولاً خانواده‌شان بیشتر

مداخله می نمایند و بالطبع آسیب پذیری بیشتری نسبت به دخترها خصوصا در این زمینه دارند مهارت آموزی شان در این زمینه فواید بیشتر به همراه دارد و آسیب های احتمالی زوجین را کمتر می نماید.

مورد دیگری که برای زوج های جوان مشکل آفرین است نوع برخوردی است که والدین پس از ازدواج فرزندشان با آنها دارند. فرزندی که ازدواج نموده دیگر آن فرزند سابق نیست. والدینی که از فرزند ازدواج کرده خویش همانند سابق انتظار دارند برای زندگی مشترک فرزند خود در دسر آفرین هستند. این امر همچنان در مورد پسرها به مراتب بیشتر از دخترهاست. پسری که قبلا عصای دست خانواده بوده و گاهی هم کمک های مالی به خانواده خود می نموده چنان چه بخواهد مثل سابق با خانواده خود ادامه دهد آسیب به زندگی مشترک خود خواهد زد پس از ازدواج همسر فرد اول زندگی می شود و والدین در حاشیه قرار می گیرند. و زندگی های مشترکی که والدین، دوستان، فامیل و سایرین در درجه اول اهمیت باشد و همسر نقش حاشیه ای داشته باشد، معمولا زندگی های موفق نیستند. چنین زوج های معمولا مشکلات متعددی با یکدیگر دارند.

بنابراین می توان گفت برخی از مشکلات همسران، مشکل خودشان نیست. بلکه مشکل والدینشان است که به نحوی به زندگی آنها سرایت نموده است مهم آن فرآیند تفرد و جداسازی فرزند است را به خوبی انجام دهند. برای خود و به میزان بیشتری برای فرزند و زندگی مشترکش، خصوصا فرزند پسر باشد، مشکلات متعدد و آسیب زا و کاهنده ای بوجود می آورند. در مواردی هم والدین وابستگی ندارند به فرزند متاهل خود این فرزند است که به دلایل مختلف به والدین وابسته است و در واقع جسمش در زندگی با همسر خود و روحش نزد والدین خویش است.

به هر حال این وابستگی ها پیش از ازدواج باید از سوی دختر بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، زیرا برطرف کردن وابستگی های پسرها به خانواده هایشان چنانچه دو طرفه باشد. یعنی هم والدین به پسر و هم پسر متقابلا به والدین وابسته باشد، چندان راحت و ساده نخواهد بود.